

قرآن و فقه دین غرابت دارد. خلاصه گفته او چنین است:

«از دلائل این مطلب این است که سنت الهی در عالم وجود خواه در مرحله ایجاد و خواه در زمینه تشریح، بر این قرار گرفته که هر چیز را نخست بر وجه اجمال بیآورد از آن پس بتدریج بتفصیل آن پردازد.

هسته كوچك كه بر همه اصول درخت بزرگ مشتمل میباشد در آغاز ماده‌ای برای حیات بیش نیست که اندك اندك رو بیالش و نمو میگذارد و تنه‌اش بزرگ و شاخه‌ها از اطرافش منشعب میگردد و در آخر میوه میدهد. رهنمائیهای الهی نیز مانند همان هسته و درخت بزرگ بوجود میآید پس سوره فاتحه بر مجمل آنچه در قرآن است مشتمل میباشد و هر چه در قرآن آورده شده تفصیل همان اصولی است که در سوره فاتحه اندراج یافته است.

منظورم از این مطلب این است که قرآن برای بیان پنج امر نزول یافته است:

- ۱ - توحید
 - ۲ - وعد و وعید
 - ۳ - عبادت
 - ۴ - نمایاندن راه سعادت و چگونگی رسیدن بنعم دنیا و آخرت
 - ۵ - قصص و حکایات درباره کسانی که با احکام دین خدا عمل کرده و حدود الهی را رعایت نموده و اخبار اشخاصی که احکام دین خدا را پشت سر افکنده و از حدود الهی تعدی و تجاوز نموده‌اند.
- قرآن بر پنج امر یاد شده که مایه حیات مردم و موجب سعادت دنیا

و آخرت ایشان است مشتمل میباشد و سوره فاتحه بیکمان بر همه این پنج امر بطور اجمال اشتمال دارد از این قرار:

اما توحید آنجا که فرموده است «الحمد لله رب العالمین» چه این آیه را مفاد این است که حمد و سپاسی که برای هر گونه نعمتی صدور یابد بخدا مخصوص است و این تخصیص درست نیست مگر در صورتی که هر نعمتی در عالم وجود، که شایسته سپاسگزاری شناخته شود، از خدا صادر و مصدر همه آنها ذات مقدس او باشد که از آن جمله است نعمت آفرینش و پرورش و نمو دادن. برای اینکه این معنی بهتر روشن گردد کلمه «رب العالمین» نیز آورده شده چه معنی «رب» خصوص «مالک» و «سید» نیست بلکه تربیت و تنمیه نیز در معنی آن منظور میباشد و این جمله صریح است که هر نعمتی خواه در آفاق باشد و خواه در انفس همه از خدا است.

پس هستی و نیکیبختی و بدبختی همه از ناحیه خدا است و در عالم وجود جز ذات او هیچ متصرف و مؤثری نیست.

موضوع توحیده همتر چیزی است که دین برای نشر آن پدید آمده از اینرو در سوره فاتحه بمجرد اجمال و اشاره در باره آن اکتفا نشده بلکه بجمله «ایک نعبد و ایک نستعین» نیز این موضوع تأیید و تکمیل گردیده تا بدین وسیله شاخه های شرک و بت پرستی که در همه اقوام و ملل ریشه دوانده منقطع گردد، تا بجز خدا برای هیچکس سلطنت غیبی قائل نشوند و هیچ آفریده ای را معبود نگیرند و در حوائج خویش بهیچ موجودی استعانت نجویند و خدا را معبود و مستعان دانند و بس آیات توحید که در قرآن برای سرکوبی مردمان مشرک وارد شده

همه آنها تفصیل همین مجمل است .

اما وعد و وعید پس بآیه «بسم الله الرحمن الرحيم» که در آغاز سوره آمده و رحمت - که همه چیز را فرا گرفته - در آن گنجانده شده و عد و احسان معلوم گردیده است . اینکه در طی سوره دوباره رحمت مذکور گشته اشعار باین میباشد که امر خدا بتوحید و عبادت چون برای مصلحت و بمنفعت مردم است رحمتی است از او نسبت به مردم . بآیه «مالك يوم الدين» نیز وعد و وعید فهمانده شده است چه معنی «دين» خضوع است پس مفاد این آیه این میباشد که در آن روز سلطنت مطلقه و فرمانروائی کامل، که هیچکس را نسبت بآن هیچگونه نزاعی نمیتواند باشد، برای خدا است و همه عالم در آن روز در برابر عظمت او در ظاهر و باطن خاضع و امیدوار بر رحمت و بیمناک از عذابش میباشند . اگر «دين» بمعنی پاداش و جزا هم باشد باز وعد و وعید، هر دو، از آن مستفاد میباشد چه جزا یا ثواب است نسبت بنیکوکار و باعقاب است نسبت بگناهکار و بدکار، بعلاوه از کلمه «الاصراط المستقیم» نیز وعد و وعید مستفاد است چه راه راست آن است که سالک آن فائز و منجرفش هالك میباشد .

اما عبادت - پس بعد از اینکه بجملة «اياك نعبد و اياك نستعين» عبادت و توحید آن مذکور افتاده بجملة «اهدنا الصراط المستقیم» که بر احکام عبادت و معاملات و سیاسات مشتمل است نیز ذکر شده یعنی راهی را که خدا وضع کرده، که بزودی آن را در طی کتاب خود تعریف و تجدید خواهد کرد، سعادت در استعانت بر آن و شقاوت در انحراف از آن راه میباشد و این استعانت، روح عبادت است . چنانکه سفارش و توصیه بحق و صبر که در آیه «والعصر ان الانسان لفي خسر»

الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر» وارد شده
نیز پس از توحید، کمال عبادت است.

سوره فاتحه از آغاز تا انجامش، در کسی که آنرا با تدبیر نظر کند،
روح عبادت میدمد و روح عبادت عبارت است از اینکه دلها از ترس خدا
واز امید بفضل او سرشار گردند نه اینکه از حرکات زبان و دیگر اعضا
یا سکون آنها و سائر افعال ظاهری عبارت باشد چه پیش از اینکه نماز
و احکام او وهم روزه و ایامش دستور داده شده باشد سوره فاتحه نزول یافته
و عبادت در او مذکور گشته است

پیش از اینکه اهل اسلام باین اعمال بدنی مکلف گردند و احکام
آنها، که در قرآن تا اندازه‌ای مفصل آمده، نازل شود این روح در ایشان
موجود بوده است. پس این حرکات و اعمال که بنام عبادت خوانده میشود
در حقیقت وسیله است برای رسیدن به حقیقت و روح عبادت که عبارت
میباشد از فکر و اعتبار.

اما اخبار و قصص پس در جمله «صراط الذين انعمت عليهم»
تصریح شده که گروهی پیش از این در جهان بوده‌اند که خدا برای
هدایت آنان شریعت و دین فرستاده است پس باحوال آنان رسیدگی
کنید و شئون عمومی آنانرا در نظر بیاورید و از آنها عبرت و پند
گیرید. چنانکه خداوند به پیغمبر خود اقتداء به پیغمبران پیشینرا با دآوری
کرده آنجا که فرموده است «اولئك الذين هديهم فبهداهم اقتده»
و در عبارت «غير المغضوب عليهم ولا الضالين» تصریح شده که اشخاصی
که از انعام خدا محروم مانده‌اند در گروهی که راهان راه
خدا و گروهی دیگر منکران و معاندان که مورد خشم خدا و رسوائی

در زندگانی دنیا واقع شده‌اند . در قرآن مجید همین اجمال نسبت باحوال و اخبار امم بطور تفصیل یاد گردیده پس حال ستمکارانی که از روی عناد با حق مقاومت کرده و کسانی که در راه حق گمراه گشته و حال کسانی که در راه نگهداری حق یافشاری کرده و در برابر صدمات وارده شکیبائی ورزیده‌اند شرح داده شده تا مایه عبرت اهل تدبیر گردد . پس از مجموع آنچه گفتیم دانسته میشود که سوره فاتحه بر اصول اموری که در قرآن بتفصیل آورده شده بر سبیل اجمال اشتمال دارد از اینرو بحکم سنت جاریه الهی و روش ثابتی که او در عالم ابداع و ایجاد دارد باید گفت نخستین سوره‌ای که نزول یافته سوره فاتحه بوده است و نیز نامیدن آن بنام «ام‌الکتاب» از همین جهت است چنانکه هسته خرما را چون بر درخت خرما اشتمال دارد «ام‌النخله» میخوانند نه از این جهت که مادر مقدم است بر اولاد چنانکه برخی تصور کرده‌اند

در توجیه و تسمیه سوره فاتحه بنام « سبع المثانی »

چند وجه تصور شده است .

این وجوه از احتمالات سه گانه زیر است که درباره مبدء اشتقاق و ماده کلمه « مثانی » بنظر رسیده ناشی میباشد :

- ۱- اینکه مبدء اشتقاق آن ماده ثناء باشد .
- ۲- اینکه مبدء اشتقاقش ماده ثنیه باشد .
- ۳- اینکه مبدء اشتقاقش ماده ثنیه باشد .

پس با احتمال نخست چون این سوره که هفت آیه میباشد بر ثناء

حق تعالی شانه اشتمال دارد « سبع المثانی » خوانده شده است .

باحتمال دوم چون بسائرا مم ، نظیر این سوره عطا نشده و آنها
از استفاده ثواب مثل چنین سوره ای استثناء شده اند^۱ این نام را
یافته است

باحتمال سیم چون این سوره در هر نماز دو بار خوانده میشود
یا چون دوبار نزول یافته یا چون بر دو قسمت (ثناء و دعاء) شتمل
میباشد یا چون نیمی از آن بخدا و نیم دیگرش ببنده تعلق دارد بدین نام
یاد شده است .

در تفسیر کبیر و غیر آن در زمینه این احتمال ، علل دیگری نیز
گفته شده که از آوردن آنها در اینجا صرف نظر میشود .

هر کس در سوره فاتحه دقیق شود متوجه میگردد که این سوره
از لحاظ تاکید و تکرار مقاصد ، و حتی الفاظ ، اسلوبی خاص دارد که هیچ
سوره ای از سوره های قرآن مجید بدین اسلوب نیست . در این سوره بطور
غالب ، مدالیل کلمات یا بطور مطابقه و یا بنحو تضمن و گرنه بوجه
التزام تکرر و تاکید یافته و دوبار آورده شده است فی المثل بناباینکه

۱ - صدر المتالین و بعضی دیگر در تفاسیر خود از ابی بن کعب
نقل نموده اند که چون سوره فاتحه را بر پیغمبر «ص» قرائت کرده پیغمبر «ص»
بوی گفته است :

« بآن کس که جانم در قبضه قدرت او است سوگند که در تورا و
انجیل و زبور مانند این سوره نازل نشده . این سوره ام الكتاب و سبع المثانی
میباشد و میان خدا و بنده اش بد و بخش گردیده است . . . »

و هم صدر المتالین از ابن عباس نقل کرده که در حضور پیغمبر «ص»
مشرف بوده که فرشته بر آن حضرت نزول یافته و بوی گفته است « اشر
بنورین اوتیتهما لم یوتهما نبی قبلك : فاتحه الكتاب و خوانیم سورة البقرة . . . »
(مژدهات باد که دو نور بتو عنایت شده : یکی فاتحه الكتاب و دیگر آیات آخر
سوره بقره که بهیچ پیغمبری پیش از تو داده نشده است) .